

زن و الگوی تربیتی حياء محور در خانواده^۱

فاطمه مبلغ^۲

چکیده

حیاء از دو صفت بازدارندگی و وادارندگی برخوردار است که با ایمان رابطه‌ای دو سویه دارد و کرامت نفس، سازه بنیادین آن می‌باشد. این تحقیق با انگیزه و هدف دستیابی به روش‌ها و الگوهای تربیتی حياء محوری که، یک زن با حياء می‌تواند در خانواده ایفا کند، صورت گرفت.

لذا محقق با جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و با روشی توصیفی تحلیلی، به معرفی حياء از نظر لغت شناسان و آیات و روایات پرداخت و نتیجه حاصله، حاکی از آن است که با توجه به صفت بازدارندگی و وادارندگی حياء و با در نظر داشتن اینکه عنصر اصلی ماده حياء، کرامت نفس و احترام به خویشتن و دیگران می‌باشد و این امر که زنان به صورت فطری بیشتر از مردان از عنصر حياء برخوردارند و نقش تربیتی مهمی در خانواده بر عهده آنان است، پس می‌توان الگوی تربیتی حياء محوری ارائه داد که به نوعی هماهنگ با گوهر

۱. تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۲/۲۰ تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۴/۱۰

۲. دانش پژوه کارشناسی ارشد کلام اسلامی جامعه المصطفی العالمیه.

درونی خود آنان است که با یاری جستن از آن و حفظ این گوهر بکوشند تا با شکوفایی عنصر حیاء (صفت بازدارندگی و وادارندگی و ایجاد کرامت نفس) در کودکان امروز یا همان مردان و زنان آینده، آن‌ها را طوری پیروارند که به خوبی‌ها و نیکی‌ها عشق بورزند و از بدی‌ها و زشتی‌ها متنفر باشند. لذا پس از دستیابی به موارد فوق، الگوی تربیتی حیاء محوری بر پایه آیات و روایات ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: حیاء، زن، تربیت، خانواده، الگو.

مقدمه

مهار نمودن خود و تنظیم افکار، رفتارها و هیجان‌ها، از ارکان بنیادین موفقیت بشر چه در بعد شخصی و چه در بعد اجتماعی است، چرا که بدون آن نمی‌توان به اهداف والای انسانی دست یافت. انسان به نیرویی درونی نیاز دارد تا افکار، احساسات و رفتار خود را مهار کند و به آنها نظم دهد و یکی از این عوامل نظم دهنده و کنترل کننده که دین معرفی کرده، «حیاء» است.

به نظر می‌رسد در سایر متون به جز کتاب پژوهشی در فرهنگ حیای آقای عباس پسندیده، حیاء آن گونه که شایسته است شناخته نشده و فقط به تعریف حیاء و جمع روایات مربوط به آن بسنده شده است و به حیاء به عنوان عامل مهم و کاربردی در امر تربیت نگاه نشده است با توجه به تحقیق صورت گرفته، حیاء نیرویی است مهارکننده و نظم‌دهنده که رفتارهای روانی و فیزیکی انسان را براساس

شرع و عرف تنظیم می‌کند و برتری این عامل بر دیگر عوامل تربیتی، بدین جهت است که حیا نه مبتنی بر ترس است نه مبتنی بر طمع بلکه مبتنی بر احترام به خود و کرامت انسانی است که براساس آن، وقتی فرد خود را کریم بباید از ارتکاب زشتی‌ها خودداری و رفتار خود را تنظیم می‌کند. زمانی که به عنصر حیا از این منظر دقت شود به اهمیت و برتری آن در روایات و در مسأله تربیت و حفظ و شکوفایی این گوهر در زنان به عنوان عاملی که هم خود منبع حیا‌اند و هم انتقال دهنده حیا (به عنوان مادر و همسر و فردی از اجتماع) هستند، پی برده می‌شود.

لذا اکثر منابع استفاده شده در این تحقیق، روایی و تربیتی که در آن به مبحث حیا اشاره شده، می‌باشد زیرا کتاب‌هایی با این عنوان بسیار کم است و با توجه به روایات و اصول تربیتی، الگوها و راهکارهای تربیتی که سبب تقویت عزت و کرامت نفس و باطبع رشد حیا می‌شود را استخراج نموده و در دو بخش الگوهای تربیتی حیا محور بین زن و شوهر و الگوهای تربیتی حیا محور برای مادر جهت تربیت فرزند با حیا ارائه شد.

و از آن جهت که خداوند حکیم نیز سرشت زنان را با حیا عجین کرده است زن یک عامل تربیتی و مربی مهم و اصلی در اجرایی کردن رعایت الگوی تربیتی حیا محور (که بر مبنای احترام به شخصیت و کرامت انسان‌هاست) می‌باشد تا در امر تربیت، بتواند کودکان و همسران با حیایی از خانواده‌ها، به عرصه اجتماع بفرستد، که برای آنان پاکی، خوبی، دوستی همنوع، خلاقیت و... حائز اهمیت و از زشتی‌ها و فساد و... متنفر باشد.

برای دستیابی به این الگوی تربیتی حياء محور، با بررسی لغوی و اصطلاحی حياء، دو اصل باز دارندگی و وادارندگی آن، که دو مقوله مهم در تربیت است و محورهای اساسی (وجود ناظر، درک نظارت و تکریم ناظر) که باعث برانگیخته شدن صفت حياء می‌شود، حاصل شد و با بررسی رابطه حياء و کرامت نفس در روایات رابطه ی علی و معلولی بین آن‌ها، مکشوف شد. بنابراین با در نظر گرفتن این اطلاعات دو الگوی تربیتی حياء محور بین زن و مرد در خانواده و الگوی تربیتی حیا محور برای زن جهت تربیت فرزندان با حياء ارائه شد. امید است با رعایت این الگوی تربیتی (سیره ائمه معصومین علیهم السلام) از آثار و برکات فراوان آن بهره مند شویم.

این تحقیق، بر اساس طبقه بندی تحقیق بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است زیرا؛ «تحقیقات کاربردی، تحقیقاتی هستند که نظریه‌ها، قانونمندی‌ها، اصول و فنونی که در تحقیقات پایه تدوین می‌شوند را برای حل مسایل اجرایی و واقعی به کار می‌گیرد و به سمت عملی کردن دانش سوق می‌دهد.» (خاکی، ۲۰۲) همچنین این تحقیق بر حسب روش، از نوع توصیفی است. زیرا؛ «تحقیق توصیفی، آن چه را که هست توصیف و تفسیر می‌کند و به شرایط یا روابط موجود، عقاید متداول، فرآیندهای جاری، آثار مشهود یا روندهای در حال گسترش توجه دارد.» (خورشیدی، قریشی، ۲۲۴)

۱- «حیاء» از منظر لغت شناسان

اما اولین گام در مفهوم شناسی حياء، مطالعه دیدگاه لغت شناسان در تعریف حياء است ؛ که تقریباً همه تعاریف در یک مسیر و نزدیک به

هم ارائه شده‌اند مثل دگرگون شدن حال و به وجود آمدن حالت انکسار و شکستگی روانی که در اثر مواجهه با امری نکوهیده ایجاد می‌شود، (مصطفوی، ۳۹۳) یا گرفتگی و جمع شدن نفس از امور ناپسند و پرهیز به جهت زشتی آنها (راغب اصفهانی، ۲۷) یا عقب نشینی و کناره گیری از زشتی‌ها، به سبب ترس از نکوهش (طریحی، ۴۸۲)

همان گونه که مشاهده می‌شود در تعریف اهل لغت سه محور وجود دارد: یکی اینکه حیا، تغییر و انکسار درونی است، دیگر اینکه حیا، انقباض و گرفتگی نفس است و سوم اینکه حیا، عامل بازدارنده است.

شاید این روایات بیانگر جنبه‌های مختلف حیا باشند و به نظرمی‌رسد محورهای اول و دوم به ویژگی‌های روانی حیا پرداخته و محور سوم کارکرد حیا (خود نگه داری) را بیان کرده است. (پسندیده، ۱۳۸۳، ۱۶)

۲- «حیا» بازدارنده یا وادارنده

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که حیا فقط بازدارنده است یا وادارنده نیز هست؟

این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که در امر تربیت هر دو شاخص ضروری می باشد اگر حیا فقط یک صفت بازدارنده باشد تنها در جایی می‌توان از آن استفاده کرد که باید کاری ترک شود اما اگر گذشته از بازدارندگی، وادارنده نیز باشد در آن صورت می‌توان برای انجام دادن کارهای شایسته ای که احتمال ترک آنها می‌رود نیز از حیا استفاده نمود.

اما با توجه به روایات ذیل:

امام علی علیه السلام: «الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنْ فِعْلِ الْقَبِيحِ» (آمدی، ۱۳۹۳) حياء از انجام عمل قبیح باز می‌دارد.

امام علی علیه السلام: «الْحَيَاءُ سَبَبٌ كُلُّ جَمِيلٍ» (مجلسی، ج ۷۷، ۲۱۱) حياء سبب هر زیبایی است.

با توجه به مطالب فوق عنصر حياء دو شاخصه ی مهم تربیتی را در بردارد آیا فقط وجود این دو عامل در امر تربیت کافی است؟

۳- محوره‌ای اساسی حياء (وجود ناظر، درک نظارت و تکریم ناظر)

با مطالعه آیات و روایات در قدم اول عناصر تشکیل دهنده حياء مشخص شد اما آیا فقط وجود همین عناصر در برانگیختن حياء و بازداشتن فرد از ارتکاب عمل سوء کافی است؟

امام زین العابدین علیه السلام: «خَفِ اللَّهَ لِقَدَرَتِهِ عَلَيْكَ وَاسْتَحْيِ مِنْهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ» (مجلسی، ج ۷۱، ۳۳۶) بترس از خداوند به دلیل تسلطش بر تو و حياء کن از او به خاطر نزدیکی‌اش به توبه دو صفت از صفات خداوند اشاره شده یکی قدرت خداوند و دیگری نزدیکی خداوند که نشان از آگاهی و اطلاع خداوند از رفتار بشر دارد. آن گاه قدرت عامل ترس دانسته شده و نزدیک بودن و اطلاع خداوند عامل حياء و شرم.

پس عامل برانگیختن ترس، توجه به قدرت خداوند و عامل برانگیختن حياء، آگاهی و نظارت خداوند است از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله

می‌فرماید: « فَاسْتَحْيُوا الْيَوْمَ أَنْ يَطَّلِعَ اللَّهُ عَلَى شَيْءٍ مِنْ أَمْرِكُمْ » (مجلسی، ج ۱۹، ۳۳۳) پس حیا کنید از روزی که خداوند بر چیزی از امورتان آگاهی پیدا کند.

بنابراین فصل مقوم و وجه تمایز حیا از دیگر بازدارنده‌ها، عنصر نظارت است یعنی آنچه حیا را بر می‌انگیزد، حضور ناظر است. معمولاً رفتار ما در جمع، با رفتار ما در خلوت، تفاوت می‌کند، تفاوت رفتار ما در خلوت و جلوت به جهت تفاوت در حضور و عدم حضور ناظر است. (پسندیده، ۲۴)

مسأله حضور و نظارت از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مفاهیم حیاست بدون وجود این عنصر، هرچند این امکان وجود دارد که بازدارندگی و مدیریت نفس به دلیل دیگری رخ دهد، اما ممکن نیست حیا برانگیخته شود. امام صادق (علیه السلام): «وَعَلِمْتُ مُطَّلِعٌ عَلَى فَاسْتَحْيَيْتُ» (مجلسی، ج ۲۸، ۷۸) دانستم که خداوند از من مطلع است پس شرم کردم. طبق حدیث فوق «آگاهی» از اطلاع خداوند متقدم بر حیا است و اکثر افرادی که اقدام به معصیت می‌کنند از این نظارت غافل و بی‌خبرند و لذا حیا در آنان برانگیخته نمی‌شود و همین امر باعث خفتگی حیا در آنان می‌شود.

نکته مهم دیگر این است که صرف وجود نظارت به عنوان واقعیتی خارجی، برای برانگیختن حیا کافی نیست، حیا هنگامی برانگیخته می‌شود که نظارت موجود از طرف شخص، درک شود و حتی ممکن است احساس وجود نظارت، موجب برانگیخته شدن حیا شود، بدون آنکه ناظری وجود داشته باشد. پس «درک نظارت موجود» و یا دست

کم «احساس وجود نظارت» شرط لازم برای حیاست، نه صرف وجود ناظر.

حضرت علی علیه السلام وقتی می‌خواستند در میدان نبرد به شرم کردن از فرار فرا بخواند نخست آنان را به ناظر بودن خداوند توجه می‌دادند: «أَنْكُمْ بَعَيْنُ اللَّهِ عَاوِدُوا الْكَرَّ وَاسْتَحْيُوا مِنَ الْمَفَرِّ» (نوری طبرسی، ج ۱۱، ۸۴) شما در دید خدا قرار دارید و دوباره حمله کنید و از فرار کردن شرم کنید.

مسئله دیگر در برانگیختگی حیا، محترم بودن ناظر است. اگر ناظری وجود داشته باشد ولی دارای ارزش و احترامی نزد فرد نباشد حتی اگر علم به حضور وی داشته باشد، از او حیا نمی‌کند، چون تکریم و احترام او را لازم نمی‌دانند، پس حرمت داشتن ناظر، لازمه حیا است و هر چه درجه و حرمت ناظر بالاتر، میزان حیا از وی نیز بیشتر می‌شود، پس درجه حرمت فرد از ناظرها (خداوند، فرشتگان، حجت‌های الهی، مردم و خود) از عوامل اساسی در حیا از آنها می‌باشد.

۴- «حیا» و کرامت

از آنجایی که کرامت نفس و احترام به خویش و دیگران در حصول تربیتی متعالی نقش اساسی دارد باید رابطه حیا و کرامت، مورد بررسی قرار گیرد در قدم اول به بررسی (کرامت) در آیات و روایات می‌پردازیم.

۱-۴- «کرامت» در آیات و روایات

خداوند آدمی را از بهره‌های درونی ویژه‌ای -چون عقل- برخوردار ساخته و او را به سبب این بهره وری، کریم و بزرگوار داشته است. در واقع کرامت به اصل انسان بودن بازمی‌گردد و اختصاصی به دسته معینی از آدمیان ندارد از این رو آدمیان همه از یک گوهرند و همه شریفند. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... و به راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم.» (اسراء/ ۷۰)

هرگاه آدمی آن گوهر شریف را که از آن بهره ور شده پاس بدارد و آن را جلوه‌ای بیشتر بخشد، خود را سزاوار کرامتی افزون‌تر گردانیده است و خداوند او را در پایگاه فراتری از کرامت، جای دهد و او را رزق کریم عطا کند «فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (حج/ ۵۰)

۲-۴- رابطه «حیاء» و کرامت نفس

قوام اصلی حیاء در انسان همان عزّت و شرافت و کرامت انسانی است که به سبب روح شریف و بزرگ الهی‌اش وی را در حدّ اعلای عظمت قرار داده است. جانشین خداوند در زمین، امانت دار خداوند متعال، آفریده شده به دست پروردگار و مورد تکریم او، موقعیت‌های ممتازی است که فرشتگان را به خضوع و تعظیم در برابر مقام وی واداشته است.

پرسشی که در اینجا ایجاد می‌شود، این است که چرا حیاء در شخص کریم نفس بروز می‌کند؟ زیرا:

اولاً: کسی که برای خود ارزش قائل است، حاضر نیست، شخصیت خود را با کارهای زشت و ناپسند آلوده سازد، بنابر سخن امام علی علیه السلام: «مَنْ كَرَّمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ» هر کس برای خود ارزش قائل باشد، آن را با معصیت، بی ارزش نمی سازد. (آمدی، ۱۰۵۳)

ثانیاً: شخص کریم برای آبرو و حیثیت خود نزد دیگران، ارزش قائل است و به وجهه اجتماعی خود اهمیت می دهد، اما شخص پست برای آبروی خویش ارزش قائل نیست.

امام علی علیه السلام: «اللَّئِيمُ لَا يَسْتَحْيِي» فرومایه، حیاء نمی کند. (آمدی، ج ۲، ۱۵۸)

به نظر می رسد با توجه به آیات و روایات ارتباط (حیاء) با کرامت نفس، که جزئی از سرشت و جوهر عالی انسانی است و با پستی و دنائت سازگاری ندارد، چیزی نیست جز رابطه علی و معلولی و به بیان روشن تر، مهم ترین سبب رکود حیاء، از دست دادن عزت نفس، فرومایگی و غفلت از مرتبه انسانیت و شرافت خویش است.

۵- زن و تربیت حیاء محور در خانواده

در اسلام نظام خانواده بسیار مهم تلقی شده است، زیرا در پرتو خانواده است که عواطف و غرایز زن و مرد در کنار هم ارضاء می شود، آرامش آن دو تأمین می گردد، مکمل یکدیگر بوده و در تأمین و تکمیل حیات مادی و معنوی یار و مددکار هم خواهند بود و در فضای آکنده از معنویت، محبت و احترام متقابل به شخصیت حقیقی و حقوقی یکدیگر، به تولید و تربیت فرزندان پاک و شایسته اقدام می کنند.

با توجه به بررسی‌های فوق به این مهم دست یافتیم که بین حياء و کرامت نفس رابطه علی و معلولی برقرار است و با سقوط و یا کم‌رنگ شدن کرامت و عزت نفس در افراد علی‌الخصوص زن که آئینه حياء در بین مخلوقات الهی است شاهد از دست رفتن حياء، شرافت، میل به خوبی‌ها، زیبایی‌ها و ارزش‌ها خواهیم بود و بالطبع این آثار سوء علاوه بر تأثیر در شخصیت زن در نقش‌های تربیتی او در خانواده نفوذ خواهد داشت و بالعکس اگر به حياء به عنوان صفتی که از نیروی بازدارندگی وادارندگی برخوردار است، بنگریم در می‌یابیم که زن با حياء این قدرت را دارد که با در نظر گرفتن ناظرانی کریم (خداوند، فرشتگان، حجت‌های الهی و...) در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی به پرورش و شکوفایی صفت حياء (که در فطرت او نهاده شده است) در خود، همسر، فرزندان و اجتماع بپردازد و اگر این دیدگاه در بین زنان ما ترویج یابد آنان قادر خواهند بود در همه جایگاه‌های مهمی که خداوند به آنها سپرده است، موفق و سربلند عمل کنند.

در این تحقیق سعی بر این بود که پس از بررسی آیات و روایات و واکاوی مفهوم حياء، الگوی تربیت حياء محوری ارائه دهد که زن بتواند با توجه به فطرت ملفوف به حياء و عطوفت خود از آن در جهت عملکرد بهتر در قبال همسر و فرزند یاری بجوید.

گسترده‌گی مقوله تربیت و محدودیت موضوع، ما را برآن داشت که در این مجال، با استمداد از روایات فقط به بیان الگوهایی تربیتی در ارتباط بین زن و شوهر و مادر و فرزند در جهت ایجاد کرامت نفس و تقویت حياء، در آنان بپردازیم که موجب پرورش فرزندان، مردان و

زنانی عاشق خوبی‌ها، زیبایی‌ها... و متنفر از بدی‌ها و زشتی‌ها خواهد بود.

۱-۵- الگوی تربیتی حیاء محور بین زن و شوهر (همسران)

با توضیحاتی که درمورد حیاء بیان شد، نکته مهم و اساسی در این قسمت این است حیاء به عنوان عاملی بازدارنده خاص زن نخواهد بود فقط با توجه به موقعیت و خلقت زن، میزان حیاء در او بیشتر است، بنابراین برای ایجاد روابطی سالم در زندگی زوجین و ایجاد خانواده‌ای پویا، باید الگوی حیاء توسط هردو همسر اجرا گردد زیرا گاهی ممکن است یکی از طرفین، رابطه ای مبتنی بر ترس را اجرا کند، برخی نیز ممکن است رابطه مبتنی بر پاداش را طراحی کنند، که در هر دو صورت نظام روابط برهم می‌خورد و زندگی سامان خود را از دست می‌دهد.

پس بهترین نوع رابطه، رابطه مبتنی بر حرمت، احترام و تکریم است نه ترس یا طمع، چرا که در این شکل از رابطه هریک از طرفین حرمت دیگری را حفظ می‌کنند و طرفین، برخوردی کریمانه با یکدیگر خواهند داشت، بنابراین به چند نمونه در روایات اشاره می‌کنیم.

۲-۵- همسران و شرم در گفتار و رفتار

وقار در رفتار و ادب در گفتار، ویژگی دیگر رابطه مبتنی بر حیاست. کسانی که از حیاء برخوردارند، رفتاری با وقار، متین و سنگین دارند و در ارتباط‌های کلامی خود، رعایت ادب و احترام را می‌نمایند طبق بیان امام علی علیه السلام: «مَنْ صَحِبَهُ الْحَيَاءُ فَيَقُولُ، زَايَلَهُ الْخَنَاءُ فَيَفْعَلُهُ»

هرکس او را در سخن گفتن حیا همراهی کند دشنام در رفتارش از او زایل می‌شود. (آمدی، ج ۵، ۳۵۴)

متأسفانه مشاهده می‌شود که گاهی سخن گفتن بین همسران همراه با درشت گویی، توهین، به رخ کشیدن امور تحقیرکننده و... می‌باشد این قبیل رفتارها فاقد عنصر(حیا) و شرم بود، و همانند آتشی است که برخمن دوستی و محبت بین همسران زده می‌شود.

۳-۵- همسران و شرم در اختلافات

مسأله دیگر حیا در زمینه اختلافات است. اختلافات همسران اولین تأثیر خود را در حیای آنها نشان می‌دهد و منجر به تغییر در نوع سخن گفتن و کلمات مورد استفاده و نوع نگاه و رفتار می‌شود که نشان می‌دهد حیا نتوانسته نقش خود را بازی کند و باعث می‌شود گاهی این اختلاف از قلمرو زن و شوهر به محدوده خانواده و همسایه و اقوام هم برسد و عمومی‌شود و با توجه به حدیث ذیل: «که یکی از دختران رسول خدا^ﷺ از همسر خود، آزار دیده بود، کسی را نزد پدر فرستاد و از شوهر خود، شکایت کرد. حضرت به وی پیغام داد که: «قَبِي حَيَّائِكَ: فَمَا أَقْبَحَ بِالْمَرْأَةِ ذَاتِ حَسَبٍ وَدِينٍ فَيَ كُلُّ يَوْمٍ تَشْكُو زَوْجَهَا» شرم خود را نگه دار، چه زشت است که زن باصالت و دیندار هر روز از همسر خود شکایت کند.» (محمدبن یعقوب کلینی رازی، ج ۲۲، ۲۵۲)

به نظر می‌رسد، عمومی کردن اختلاف زشت‌تر از کارهای دیگر می‌باشد زیرا باعث افزایش فشار روانی و کاهش اعتبار زوجین و... خواهد شد، بنابراین حیا اقتضا می‌کند که بر اختلافات سرپوش گذاشته شود و به نحوی شایسته درون خانواده حل گردد.

۴-۵- همسران و شرم خلوت زناشویی

یکی دیگر از مسائل، خلوت‌های زناشویی است که در این گونه موارد حیا برچیده می‌شود، امام علی علیه السلام در توصیف آمیزش می‌فرماید: «حِیاءُ یَرْتَفَعُ وَعَوْرَاتُ تَجْتَمِعُ» حیایی است که برداشته می‌شود و عورت‌هایی که جمع می‌شوند» (نوری طبرسی، ج ۱۴، ۳۰۶) و به همان اندازه که از پوشش زوجین کاسته می‌شود، حیا نیز کاهش می‌یابد، در چنین مواردی، وجود حیا دیگر یک حُسن به شمار نمی‌رود.

۵-۵- همسران و شرم درخواست

در الگوی ارتباطی حیا، هر یک از طرفین از بیان خواسته‌هایی که ممکن است خارج از توان دیگری باشد، شرم می‌کند.

هنگامی که علی علیه السلام به همسرش حضرت زهرا گفت که آیا غذایی دارند تا بخورند. حضرت قسم یاد کرد که دو روز است هیچ غذایی درون خانه نیست که حتی به حسن و حسین علیهم السلام بدهد. امام علی علیه السلام به همسرش فرمود که چرا به او اطلاع نداده تا چیزی تهیه کند، زهرا (سلام الله علیها) فرمود: «یا ابا الحسن انّی کُنتُ اَسْتَحِی مِنْ اِلهِی اَنْ اَتَکَلَّفُ نَفْسَکَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَیْهِ» ای ابوالحسن من این گونه‌ام که از خدای خود، شرم می‌کنم که تو را به کاری وادارم که توان آن را نداری. (مجلسی، ج ۴۱، ۳۰)

توجه داشته باشیم در اینجا سخن از تجملات زندگی نیست بلکه فقط سخن از غذای روزانه است و حضرت زهرا (سلام الله علیها) چنین درخواستی را بی شرمی در برابر خداوند می‌داند.

۶- زن و الگوی تربیتی حیا محور در رابطه با فرزند

تعریفی که راغب اصفهانی از کلمه تربیت ارائه می‌دهد اینگونه است: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ التَّوْبَةُ وَهُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالاً فَحَالاً إِلَى حَدِّ التَّمَامِ فَالرَّبُّ مَصْدَرٌ لِلْفَاعِلِ يُقَالُ رَبَّهٌ وَرَبَّاهُ وَرَبَّهٌ» (الراغب اصفهانی، ۳۳۶)

(رب) در اصل مصدر و به معنای تربیت می‌باشد و آن عبارت است از رویاندن و پدید آوردن و نمودادن مرحله به مرحله و نیز می‌فرماید لغت (رب) به طور مطلق و بدون قید یا اضافه فقط برای پروردگار متعال به کاررفته است.

و اما تعریف تربیت با توجه به آیات کریمه و روایات شریفه و کاربرد آن در لغت عرب، (برانگیختن و شکوفا کردن و رشد دادن استعداد های انسان در جهت کمال، به وسیله تلاش مربی همراه با فراهم کردن زمینه ها و عوامل مؤثر و لازم) (زاهدی، ۱۴۱)

با توجه به فرموده امام خمینی(ره): «آن قدر که بچه از مادر چیز می‌شنود از پدر نمی‌شنود، آنقدر که اخلاق مادر در بچه نورس تأثیر دارد و به او منتقل می‌شود، از دیگران عملی نیست. مادران مبدأ خیرات هستند و اگر خدای نخواسته مادرانی باشند که بچه‌ها را بد تربیت کنند، مبدأ شرّند، این تأثیر به این علت است که علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علایقش هست و هیچ علاقه‌ای بالاتر از علاقه مادر و فرزندی نیست» (ملکی، ۳۶) و به طور قطع اینگونه تربیت، آگاهی زن و حوصله مادرانه و محبت و تداوم در تلاش او را می‌طلبد که فرزندان خود را از دوران کودکی با سنجیه شرم و حیا تربیت کنند، قُبْح گناه و

تنفر مردم از گناهکار را به آنان بفهمانند و به وسیله این خوی پسندیده آنها را از گنهکاران و قانون شکنی بر حذر دارند. پس برای حصول این تربیت که سؤال مهم اکثر مادران است باید به این نکته ی مهم توجه داشت که پایه و قوام اصلی ایجاد شرم و حیاء، در فرزند احساس کرامت و عزت نفس است بنابراین، باید روش های تربیتی به گونه ای باشد که احساس عزت نفس واقعی را در فرد بارآورد و آن را از تهدید عوامل ضدّ عزت، مصون بدارد، همان طور که در مطالب قبل ذکر شد وجود رابطه علی و معلولی بین حیاء و عزت نفس، خود بیانگر این است که با به کار بستن الگوهایی که عزت نفس را در کودکان بیفزاید زمینه تقویت و رشد صفت حیاء در آنان فراهم خواهد شد پس رعایت الگوها و موارد ذیل باعث ایجاد و رشد صفت ارزنده حیاء در فرزندان خواهد بود.

۱-۶-برخاستن و استقبال کردن

پیامبر اکرم ﷺ در برابر فرزندان خویش، حسن و حسین و فاطمه (علیهم السلام) بر می خواستند و چند قدم به استقبال می رفتند.

عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ يَاسَنَادِهِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ «إِنَّهُ كَانَ جَالِسًا فَأَقْبَلَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ (عليهما السلام) فَلَمَّا رَآهُمَا النَّبِيُّ ﷺ قَامَ لَهُمَا وَاسْتَبْطَأَ بُلُوغَهُمَا إِلَيْهِ فَاسْتَقْبَلَهُمَا وَحَمَلَهُمَا عَلَى كِتْفَيْهِ وَقَالَ: نِعْمَ الْمُعْطَى وَنِعْمَ الرَّاكِبَانِ انْتَمَا ...» (مجلسی، ج ۴۳، ۲۸۵) پیامبر نشسته بود حسن و حسین (علیهما السلام) به طرف آن حضرت آمدند پیامبر ﷺ وقتی آنها را دید به احترام آنها ایستاد، چون به کُندی حرکت می کردند پیامبر ﷺ به استقبال آنها رفت و

آنها را بردوش خود سوار کرد و فرمود چه خوب مرکبی دارید و چه سواران خوبی هستید.

۲-۶- سلام کردن به کودکان

از قول یکی از نوه‌های امام خمینی (رحمة الله علیه) نقل می‌شود که من وقتی بر امام وارد می‌شدم سلام می‌کردم اما ایشان سعی داشتند زودتر به من سلام کنند وقتی ایشان سلام می‌کردند، من جواب سلام ایشان را می‌دادم و ایشان خیلی مهربان و دلنشین با ما برخورد می‌کردند. (ملکی، ۴۷)

۳-۶- اجازه خواستن از کودکان برای گذشت از حقوقشان

إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ: «أَتَى بِشَرَابٍ فَشَرَبَ وَعَنْ يَمِينِهِ غُلَامٌ وَعَنْ يَسَارِهِ الْأَشْيَاخُ فَقَالَ لِلْغُلَامِ: أَنْ أَذِنْتَ لِي أُعْطِيَتْ هَؤُلَاءِ. فَقَالَ الْغُلَامُ: مَا كُنْتُ لَاوْثَرَ بَنَصِيْبِي مِنْكَ أَحَدًا فَتَلَّهْ فِي يَدِهِ»: برای رسول خدا ﷺ نوشیدنی آوردند حضرت از آن نوشید در سمت راست او نوجوانی نشسته بود و در سمت چپ او ریش سفیدانی، پیامبر برای احترام به ریش سفیدان خواست شربت را به آنها بدهد به نوجوان فرمود آیا به من اجازه می‌دهی این نوشیدنی را به آنها بدهم؟ نوجوان گفت: من سهم خودم از تو را به هیچ کس نمی‌دهم، پیامبر نوشیدنی را به او داد. (محمد بن اسماعیل البخاری، ج ۳، ۱۳۹)

۴-۶- پذیرش دعوت کودکان و دعوت آنها برای میهمانی

ائمہ اطہار در زندگی خود به کودکان همانند بزرگسالان احترام می‌گذاشتند. ابن ابی الحدید نقل می‌کند. «مَرَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّضِيِّ

بَصِيَّانٍ يَلْعَبُونَ وَ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ كَسَرَ خُبْرٌ يَأْكُلُونَهَا فَدَعَوْهُ فَنَزَلَ وَ أَكَلَ مَعَهُمْ ثُمَّ حَمَلَهُمْ إِلَى مَنْزِلِهِ فَأَطْعَمَهُمْ وَ كَسَاهُمْ وَ قَالَ : الْفَضْلُ لَهُمْ لِأَنَّهُمْ لَا يَجِدُوا غَيْرَ مَا أَطْعَمُونِي وَ نَحْنُ تَجِدُ أَكْثَرَ مِمَّا أَطْعَمَانَهُمْ.»

روزی امام حسن علیه السلام از کنار کودکی که سرگرم بازی بودند، می‌گذشت کودکان در حالی که تکه نانی در دست داشتند و می‌خوردند به امام حسن علیه السلام تعارف کردند، امام دعوت آنها را پذیرفت و با آنها غذا خورد و سپس آنها را به منزل خویش برد و به آنها غذا و پوشاک داد و فرمود: دعوت آنها از دعوت من ارزشمندتر بود زیرا آنها آنچه را داشتند، به من دادند ولی من بیش از آنچه به آنها دادم، داشتم. (حسینی زاده، ۷۵)

۵-۶- جای دادن کودکان در صفوف جماعت

عن جابر بن ابی جعفر علیه السلام : «سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيَّانِ إِذَا صَفُّوا فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ، قَالَ : لَا تُؤَخِّرُوهُمْ عَنِ الصَّلَاةِ وَ فَرِّقُوا بَيْنَهُمْ» (مجلسی، ج ۱۱، ۱۹۸): درباره کودکانی که در نماز جماعت حاضر می‌شوند، پرسیدم، امام فرمودند آنها را به صف آخر نفرستید بلکه بین آنها (بزرگان) فاصله ایجاد کنید.

۶-۶- با احترام صدا کردن

در سیره معصومان موارد بسیاری مشاهده می‌شود که هنگام صحبت کردن با فرزندان خویش از لفظ (بُنَى: پسر عزیزم) استفاده می‌کردند، همانگونه که لقمان فرزندش را با آن مورد خطاب قرار می‌داد: «وَ إِذْ قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ...»

(لقمان / ۱۳) و یادآور زمانی را که لقمان پسرش را موعظه می‌کرد و می‌گفت: پسر عزیزم به خداوند شرک نورز)

۷-۶- شرکت در بازی کودکان

شرکت در بازی کودکان نیز نوعی احترام به آنها و شغل شان یعنی همان بازی است.

امام صادق علیه السلام: « دَخَلَ النَّبِيُّ ﷺ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَاطِمَةَ (سلام الله عليها) وَمَعَهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ علیهما السلام فَقَالَ لَهُ أَمَا النَّبِيُّ ﷺ قُومًا فَاصْطَرَعَا فَقَامَا لِيَصْطَرَعَا فَقَدْ خَرَجَتْ فَاطِمَةُ (سلام الله عليها) فِي بَعْضِ خِدْمَتِهَا فَدَخَلَتْ فَسَمِعَتْ النَّبِيَّ ﷺ وَهُوَ يَقُولُ أَيُّهِنَّ يَا حَسَنُ شَدَّ عَلَى الْحُسَيْنِ علیه السلام فَاصْطَرَعَهُ فَقَالَتْ لَهُ : يَا أَبَا وَاعَجَبَاهُ ! أَتَشَجُّ هَذَا عَلَى هَذَا ؟ تَشَجُّ الْكَبِيرَ عَلَى الصَّغِيرِ ؟ فَقَالَ لَهَا أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ أَقُولَ أَنَا يَا حَسَنُ شَدَّ عَلَى الْحُسَيْنِ فَاصْطَرَعَهُ وَ هَذَا حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) يَقُولُ يَا حُسَيْنُ شَدَّ عَلَى الْحَسَنِ فَاصْطَرَعَهُ » (مجلسی، ج ۱۰۳، ۱۸۹)

شبى پیامبر صلی الله علیه و آله به منزل فاطمه وارد شد و حسن و حسین (علیهما السلام) با او بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برخیزید و با هم کشتی بگیرید فاطمه (سلام الله عليها) که برای کارى بیرون رفته بودند وارد شد و شنیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: حسن عجله کن حسین را محکم بگیر. فاطمه (سلام الله عليها) تعجب کرد و گفت: آیا بزرگتر را بر ضد کوچکتر تشویق می‌کنید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا راضی نیستی من حسن را تشویق کنم درحالی که برادرم جبرئیل حسین را تشویق می‌کند و می‌گوید حسین، حسن را محکم بگیر.

۸-۶- پرهیز از خشونت با کودکان

معصومان علاوه بر اینکه خود با کودکان خشن نبودند، اگر کسی نیز با آنها خشونت می کرد او را از این کار نهی می کرد.

رَوَى عَنْ أُمِّ الْفَضْلِ زَوْجَةِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمَطْلَبِ مُرْضِعَةَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَتْ: «أَخَذَ مِنِّي حُسَيْنًا أَيَّامَ الرِّضَاعَةِ فَحَمَلَهُ فَأَرَّاقَ مَاءً عَلَى ثَوْبِهِ فَأَخَذَتْهُ بِعُنْفٍ حَتَّى بَكَى، فَقَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَهْلًا يَا أُمَّ الْفَضْلِ إِنَّ هَذِهِ الْأَرَّاقَةَ الْمَاءِ يَطْهَرُهَا فَأَيُّ شَيْءٍ يُزِيلُ هَذَا الْغُبَارَ عَنْ قَلْبِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)» (حسینی زاده، ۱۰۹)

پیامبر (ص) حسین را که شیرخوار بود از من گرفت و در آغوش کشید، حسین (ع) لباس پیامبر را خیس کرد، من او را به سرعت و تندى از پیامبر (ص) گرفتم به طوری که او به گریه افتاد. پیامبر (ص) فرمود: ام الفضل! آرام باش این تری است، آب آن را پاک می کند اما چه چیز می تواند کدورتی را که از سوی تو بر قلب حسین نشست برطرف سازد؟

۹-۶- شرکت دادن کودکان در جلسه دعا

ائمه با شرکت دادن کودک در مراسم دعا در واقع آنها را به درگاه خدا مقرب می دانستند و از این طریق به ایشان القا می کردند که شما نزد خدا از احترام ویژه ای برخوردارید و اگر آمین بگویید دعا مستجاب می شود. امام صادق (ع): «كَانَ أَبِي (ع) إِذَا حَزَنَهُ، أَمَرَ جَمْعَ النِّسَاءِ وَالصِّبْيَانِ ثُمَّ دَعَا وَآمَنُوا» (کلینی، ج ۲، ۴۸۷): پدرم هرگاه غمگین

می‌شد زنان و کودکان را جمع می‌کرد و دعا می‌کرد و آنها آمین می‌گفتند.

۱۰-۶- تحسین و تشویق

این صفت یکی از تمایلات فطری انسان است و از دوران کودکی آشکار می‌شود و تا پایان عمر باقی می‌ماند، هر کودک و بزرگسالی متوقع است در مقابل موفقیتی که نصیبش می‌شود مورد تحسین قرار بگیرد و اگر این تشویق‌ها به موقع انجام شود، باعث احیاء شخصیت کودک می‌شود و امید را در درونش فروزان می‌نماید و در نتیجه استعدادهای درونی‌اش یکی پس از دیگری شکوفا می‌گردد.

روزی علی علیه السلام در منزل نشسته و دو طفل خردسال آن حضرت عباس و زینب در طرف راست و چپ آن حضرت نشسته بودند، قال علی علیه السلام لِلْعَبَّاسِ: «قُلْ وَاحِدٌ فَقُلْ وَاحِدٌ، فَقَالَ إِثْنَانُ، قَالَ أَسْتَحْيِي أَنْ أَقُولَ بِاللِّسَانِ الَّذِي قُلْتُ وَاحِدٌ إِثْنَان. فَقَبَّلَ عَلِيُّ علیه السلام، عَيْنِيَه» (مجلسی، ص ۱۱۴): علی علیه السلام به عباس فرمود: بگو، یک. گفت: یک. فرمود: بگو، دو. عرض کرد: حیاء می‌کنم با زبانی که یک گفته‌ام، دو بگویم، علی علیه السلام (به منظور تشویق و تحسین) چشم‌های فرزند خود را بوسید.

۱۱-۶- تغافل

تغافل به این معنی است که ما از امری به واقع مطلع شویم و تظاهر به غفلت کنیم و در تربیت و احیای کرامت نفس کودک، در بعضی موارد حتی با آگاهی از ضعف و اشتباه کودک، آن را نادیده

بگیریم. زیرا در غیر این صورت و با سرزنش و ملامت کودک خود را ناچیز و کوچک می‌بیند و عزت نفس در او دفن می‌شود و امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِحْتِمِلْ مَا يَمُرُّ عَلَيْكَ، فَإِنَّ الْإِحْتِمَالَ سَتَرُ الْيُوبِ وَإِنَّ الْعَاقِلَ نَصْفُهُ اِحْتِمَالٌ وَنَصْفُهُ تَغَافُلٌ» (آمدی، همان، ج ۲، ۲۰۲)

بار رنج و تلخی را که بر تو می‌گذرد، بردار و بر آن تاب و طاقت بیاور، چون به راستی تحمل و تن در دادن، پوششی است برای نقص و بدی‌ها، و انسان عاقل نیمش پایداری است و نیم دیگرش چشم پوشی و تغافل است.

۱۲-۶- ازدواج و نطفه پاک

براساس احادیث ازدواج پاک یکی از عوامل با حیاء شدن فرزند است. فرزندى که از راه نامشروع متولد شده و فرزندى که نطفه‌اش در حال ناپاکی مادر منعقد شده باشد، بی حیا خواهد بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ لَمْ يَسْتَحِیْ مِمَّا قَالَ وَمِمَّا قِيلَ فِيهِ، فَهُوَ لِغَيْرِ رُشْدَةٍ أَوْ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ عَلَى غَيْرِ طَهَرٍ»؛ کسی که از آنچه می‌گوید و درباره او گفته می‌شود، شرم نکند، یا زنازاده است و یا مادرش در حال ناپاکی باردار شده است. (پسندیده، ۲۱۲) گاهی نیز ممکن است شیطان در انعقاد نطفه، مشارکت کند که نتیجه آن، بی شرمی فرزند است.

۱۳-۶- اختفای غریزه جنسی کودک

اولیای اسلام دستور داده اند که والدین کمال مراقبت را در وضع زندگی فرزندان خود اعمال کنند و در خانواده، شرایط پنهان ماندن غریزه جنسی را مهیا نمایند و آنان را از کلیه عواملی که باعث تهییج و

تحریک نیروی شهوت جنسی است برکنار نگاه دارند، پدران و مادرانی که خود دارای ملکه حیاء هستند و از رفتار و گفتار منافی با عفت در حضور و غیاب فرزندان همواره اجتناب دارند، پدران و مادرانی که به پیروی از برنامه‌های طبیعت و شریعت در پنهان نگاه داشتن تمایل جنسی فرزندان خویش کوشش می‌کنند، می‌توانند حیاء و عفاف فرزندان را حفظ کرده و آنها را سالم و طبیعی بار آورند.

۱۴-۶- جداسازی خوابگاه

رسول خدا ﷺ: «فَرَّقُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سَنِينَ.» (مجلسی، ج ۲۳، ۱۱۴) وقتی فرزندان شما به سن هفت سالگی رسیدند، بستر خوابشان را جدا کنید.

۱۵-۶- شرایط بوسیدن کودکان

امام صادق علیه السلام: «إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ سِتَّ سَنِينَ فَلَا يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تُقَبِّلَهَا» (حرّ عاملی، ج ۵، ۲۸)؛ وقتی دختر بچه به سن شش سالگی رسید، برای تو شایسته نیست که او را ببوسی.

۱۶-۶- ممنوعیت آمیزش در اتاقی که کودک در آن است

امام صادق علیه السلام: «لَا يُجَامِعُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَلَا جَارِيَتَهُ وَفِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يَوْرَثُ الزَّنا» (حرّ عاملی، ج ۱۵، ص ۱۶) در اتاقی که کودک حضور دارد، مرد با زن و کنیز خود، آمیزش نکند زیرا این عمل در معرض زنا قرار دادن کودک است. که نگاه کودک، حضور او و شنیدن صدای زن و مرد، همه و همه عوامل رشد غیرطبیعی و بلوغ زودرس کودک می‌شود.

تشویق و تحسین و عدم سرزنش و دادن آگاهی‌های لازم به فرزند، از اثرات و برکات این تربیت حیات محور که بروز استعدادها و توانایی‌های او و داشتن فرزندی متعادل، خلاق، مسئولیت پذیر، دارای اعتماد به نفس بالا و اثربخش، بهره برد، بنابراین زن نقش کلیدی و اساسی در تربیت فرزندان با حیات دارد.

با توجه به فطری بودن حیات و بازدارندگی آن از زشتی‌ها، دریافتیم که احترام و تکریم شخصیت انسان‌ها، زمینه‌های تقویت حیات را ایجاد می‌کند و با علم به این مقدمات اکنون به این مهم رسیدیم که پرورش حیات در زنان، چه تأثیر عظیم و شگرفی در تربیت و ربوبی شدن خانواده و اجتماع خواهد داشت.

اما متأسفانه با وجود اهمیت حیات، روز به روز، زمینه‌های دفن این گوهر گرانبها در دل‌های مردان و زنان و کودکان ما افزایش می‌یابد و ما پیوسته شاهد افزایش آمار خشونت، تجمل گرایی، طلاق، عدم قناعت، زنا، قتل و بچه‌های خیابانی و... هستیم.

بنابراین به نظر می‌رسد، باید رسانه‌ها از جمله صدا و سیما به عنوان رسانه‌ای تأثیرگذار و همگانی، سعی کند زندگی‌های ساده را به نمایش بگذارد، حیات در گفتار و حرکات بازیگران، ظهور داشته باشد. خانواده‌ها نیز به هوش باشند که به بهانه به روز بودن، ماهواره‌ها را وارد خانه‌ها نکنند که در این صورت، حیات از آن خانه‌ها رخت برمی‌بندد و معضلات و اثرات زیانبار آن از جمله بلوغ زودرس، بیماری‌های روحی و روانی و جسمی، هوسرانی همسران و... دامنگیر آنان خواهد شد.

بیایید سعی کنیم حال که نام مقدس زن و مادر را به دوش می‌کشیم، آنچنان عزت و کرامت را در کودکان امروز که مردان و زنان آینده‌اند، پیورانیم که به خوبی‌ها و نیکی‌ها عشق بورزند و از بدی‌ها و زشتی متنفر باشند و این مهم حاصل نخواهد شد جز با توکل بر خداوند متعال و تأسی به سیره پیشوایان و خودسازی خویش به عنوان اولین و تأثیرگذارترین الگوی فرزندان.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ۱. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالحکم (شرح مرحوم خوانساری)، چاپ سوم، دانشگاه تهران.
- ۳. البخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱ق)، الصحيح البخاری، دارالفکر.
- ۴. پسندیده، عباس، (۱۳۸۳ش)، پژوهش در فرهنگ حیا، چاپ پنجم، قم: دارالحديث.
- ۵. خاکی، غلامرضا، (بی تا)، روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات علمی کشور با همکاری کانون فرهنگی انتشاراتی درایت.
- ۶. خورشیدی، عباس و سیدمحمد رضا قریشی، (بی تا)، راهنمای تدوین رساله و پایان نامه نویسی تحصیلی (از نظریه تا عمل)، تهران: نشریه یسپرون.
- ۷. حسین زاده، سیدعلی، (بی تا)، سیره تربیت پیامبر اکرم (صلی ا... علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ ششم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۸. الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، چاپ اول، موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- ۹. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، معجم مفردات الالفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
- ۱۰. زاهدی، مرتضی، (۱۳۸۵ش)، نظریه تربیت اسلام، جلد ۱، چاپ اول، تهران: صابره.
- ۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ش)، الکافی (اصول و فروع)، چاپ پنجم، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۲. مجلسی، محمدتقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، چاپ سوم، نشر فرهنگ اسلامی.

۱۳. ملکی، حسن، (۱۳۸۵ش)، تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان از دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ اول، تهران: انتشارات مدرسه.
۱۴. مصطفوی، حسن، (۱۳۹۹ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز نشر کتاب.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، (بی تا)، بحارالانوار، چاپ سوم، دارالاحیاء التراث العربی.
۱۶. نوری طبرسی، حسین، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، چاپ اول، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.